



## Migration of Ancient Iranian Culture and Literature to Arabic and Persian Literature (The Case Study of Patience)

Vahid Sabzianpoor<sup>1</sup>| Hoda Rezaei<sup>2</sup>| Faride Ahmadi<sup>3</sup>

1. Corresponding Author, Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: wsabzianpoor@yahoo.com
2. Secretary of Education, PhD Student of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: rezaei.hda@gmail.com
3. M. A. Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: farideh.ahmadi995@gmail.com

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**

**Received:** 27 August 2020

**Received in revised form:**  
20 June 2021

**Accepted:** 22 June 2021

**Keywords:**

Patience,  
comparative literature,  
pre-Islamic Iranian culture,  
Arabic literature.

---

### ABSTRACT

Persian and Arabic literature are precious treasures of wisdom and literacy. The existing moral and humanity-related concepts in these two types of literature are originated in Islamic and Quranic culture as well as cultural heritage of Iranian in the pre-Islamic period. The concept of patience is one of the most predominant concepts in Islamic, Arabic, and Persian culture which has been taken into account by sages, poets, and speakers from multiple aspects including; the provided advice for patience, effects and results of patience, types of patience, etc. The evident point is, Persian literature has pursued Arabic and Islamic literature since in descriptive and explanatory Persian literary texts such as Golestan, Bostan, Diwan Hafez, Diwan Nasser Khosrow, Masnavi, etc., multiple signs of Arabic literature can be found. While the theme of patience existed in Iran before Islam, the signs and clues, respecting this particular theme, can be found in ancient Arabic literature. The purpose of the current research is to introduce a part of ancient Persian culture and literature that has been neglected by many experts and commentators of Persian literary texts. As the results have depicted, Iranians were familiar with this theme before Islam, the related interpretations of this theme have penetrated Arabic literature and, then, they have become the source of many literary interpretations afterwards.

---

**Cite this article:** Sabzianpoor, V., Rezaei, H., Ahmadi F. (2023). Migration of Ancient Iranian Culture and Literature to Arabic and Persian Literature (The Case Study of Patience). *Research in Comparative Literature*, 12 (4), 21-43.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5657.2170](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5657.2170)

---



## شعاع من تأثير الثقافة والأدب الإيراني القديم في الأدب العربي والفارسي (دراسة حالة: الصبر)

وحيد سبزيانپور<sup>١</sup> | هدى رضائي<sup>٢</sup> | فريده احمدي<sup>٣</sup>

١. الكاتب المسؤول، أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: wsabzianpoor@yahoo.com

٢. معلم وزارة التربية والتعليم، طالبة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: rezaei.hda@gmail.com

٣. للمجستيرة في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: farideh.ahmadi995@gmail.com

ملخص	معلومات المقال
<p>الأدب الفارسي والعربي خزين ثمين من الحكمة والمعرفة. المفاهيم الأخلاقية والإنسانية في هذين الأدبين تنبثق من الثقافة الإسلامية والقرآنية وكذلك التراث الثقافي للإيرانيين قبل الإسلام. مفهوم الصبر من المفاهيم في الثقافة الإسلامية والعربية والفارسية التي حظيت باهتمام الحكماء والشعراء والمحدثون ودرسوها من الجهات المختلفة وطرّحوا عندهم الدعوة إلى التحلي بالصبر وذكر آثاره ونتائجه وذكر أمثاله وأنواعه و... وما يجلب الانتباه وتكشف عنه النظرة العاجلة إلى هذا الموضوع هو تأثير الأدب الفارسي المباشر بالأدب العربي والإسلامي وما يتجلى عند العكوف على لنصوص الأدبية الفارسية مثل كلستان، البستان، ديوان حافظ، ديوان ناصر خسرو، المثنوي، إلخ بالرؤية التفسيرية حضور العديد من الأشعار والأمثال والحديث من الأدب العربي في النصوص الفارسية. وأيضاً موضوع الصبر له حضوره في إيران قبل الإسلام ويمكن العثور على علاماته وإشارته في الأدب العربي القديم. الهدف في هذا البحث هو عرض مظهر من مظاهر الثقافة والأدب الفارسي للإيرانيين قبل الإسلام التي أهلها العديد من الخبراء والمعلقين على النصوص الأدبية الفارسية. وتشير النتائج إلى أن الإيرانيين كانوا على وعي بهذا الموضوع قبل الإسلام، وأن التعبيرات المختلفة المختصة بهذا الموضوع تسربت إلى الأدب العربي و صار مرتكزاً للتعبير الأدبية.</p>	<p>نوع المقال: مقالة محكمة الوصول: ١٤٤٢/١٧ التنقيح والمراجعة: ١٤٤٢/١١/٩ القبول: ١٤٤٢/١١/١١ الكلمات الدلالية: الصبر، الأدب المقارن، الثقافة الإيرانية قبل الإسلام، الأدب العربي.</p>

الإحالة: سبزيانپور، وحيد؛ رضائي، هدى؛ احمدي، فريده (١٤٤٤). شعاع من تأثير الثقافة والأدب الإيراني القديم في الأدب العربي والفارسي (دراسة حالة: الصبر). بحوث في الأدب المقارن، ١٢ (٤)، ٢١-٤٣.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5657.2170](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5657.2170)



## پرتوی از تأثیر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان در ادب عربی و فارسی (مطالعه موردی: صبر)

وحید سبزیان پور<sup>۱</sup> | هدی رضائی<sup>۲</sup> | فریده احمدی<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول، استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: wsabzianpoor@yahoo.com
۲. دبیر آموزش و پرورش، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. rezaei.hda@gmail.com
۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: farideh.ahmadi995@gmail.com

### چکیده

### اطلاعات مقاله

ادبیات فارسی و عربی گنجینه گران‌بهایی از حکمت و معرفت است؛ مفاهیم اخلاقی و انسانی در این دو ادب برگرفته از فرهنگ اسلامی و قرآنی و نیز میراث فرهنگی ایرانیان پیش از اسلام است. صبر یکی از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی، عربی و فارسی از زوایای مختلفی مورد توجه حکیمان، شاعران و گویندگان قرار گرفته است، از جمله توصیه به صبر، آثار و نتایج صبر، انواع صبر و... آنچه در نگاه سطحی و شتابان به نظر می‌رسد، وام‌داری ادب فارسی از ادب عربی و اسلامی است؛ زیرا در شرح و توضیح متون ادب فارسی همچون *گلستان*، *بوستان*، *دیوان حافظ*، *دیوان ناصر خسرو*، *مثنوی* و... شواهد بسیاری از ادب عربی دیده می‌شود؛ در حالی که مضمون صبر در ایران پیش از اسلام وجود داشته و نشانه‌ها و سرنخ‌های آن را می‌توان در ادب عربی قدیم یافت. هدف پژوهش حاضر معرفی خوشه‌ای از خرمن فرهنگ و ادب ایرانیان باستان است که برای بسیاری از صاحب‌نظران و شارحان متون ادب فارسی مغفول مانده است. نتایج نوشتار پیش رو نشان داده است که ایرانیان پیش از اسلام با این مضمون آشنا بوده‌اند، تعبیر مربوط به آن به ادب عربی نفوذ کرده؛ سپس سرچشمه بسیاری از تعبیرهای ادبی شده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱

واژه‌های کلیدی:

صبر،

ادبیات تطبیقی،

فرهنگ ایران قبل از اسلام،

ادب عربی.

**استناد:** سبزیان پور، وحید؛ رضائی، هدی؛ احمدی، فریده (۱۴۰۱). پرتوی از تأثیر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان در ادب عربی و فارسی (مطالعه موردی: صبر). *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۲ (۴)، ۲۱-۴۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5657.2170](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5657.2170)

## ۱. پیشگفتار

### ۱-۱. تعریف موضوع

وقتی اثر تاریخی‌ای همچون کانال آبرسانی، قبرستان یا بقایای ساختمان باستانی‌ای کشف می‌شود، خبرگزاری‌ها آن را پخش می‌کنند، بسیاری شگفت‌زده می‌شوند، چه‌بسا در رسانه‌های خارج از کشور منتشر می‌شود، مسئولین، این مکان‌ها را در معرض دید مردم قرار می‌دهند و آثار به‌دست‌آمده را در موزه‌ها نگهداری می‌کنند. اگر سودجویان قصد دست‌یابی به آن‌ها و فروششان را داشته باشند، از آن رو که به ملت و گذشته آن‌ها تعلق دارد، به شدت با آن‌ها برخورد می‌شود. وقتی شنیده می‌شود یک اثر تاریخی ایرانی از فلان موزه خارج از کشور به موزه‌های داخلی منتقل شده است، همگی احساس رضایت و موفقیت می‌کنند؛ زیرا همه ملت‌های جهان به ریشه‌های استوار و محکم خود افتخار می‌کنند و از بی‌هویتی احساس خوبی ندارند. میراث فرهنگی ما، دریچه‌ای به دنیای پررمز و راز ایرانیان پیش از اسلام<sup>(۱)</sup> و تأکید بر این نکته است که گذشتگان ما دارای تمدن بوده، از اصول و مبانی اخلاقی آگاه بوده‌اند و آن‌ها را در زندگی خود به کار می‌برده‌اند.

اگر کشف سگه باستانی نشان از نوع داد و ستد و روابط اقتصادی گذشته دارد؛ اگر تاریخ بافته شده‌ای، نوع پوشش، هنر و صنایع پیشینیان را نشان می‌دهد و اگر در قطعه سفال و یا مفرغ نشانه‌هایی از ابزار و وسایل زندگی و نوع معیشت ایرانیان باستان دیده می‌شود، بی‌تردید آگاهی از مضامین اخلاقی و حکمی رایج در میان آن‌ها، دریچه‌ای برای آشنایی با فرهنگ، اخلاق، روابط انسانی و نگرش آنان به هستی و انسان است؛ بنابراین با توجه به اهمیت فرهنگ و دیدگاه‌های یک ملت نسبت به هستی و روابط انسانی، کشف این نوع مبانی و اصول اخلاقی نباید نسبت به کشف ابزار و وسایل زندگی آن‌ها از اهمیت کمتری برخوردار باشد. نکته قابل تأمل اینکه در شرح و تحلیل آثار گویندگان و شاعران فارسی‌زبان، موضوع فراموش شده‌ای وجود دارد و آن فرهنگ ایرانی است که به شکل سینه‌به‌سینه یا در حافظه جمعی آنان هست؛ ولی در شرح متون ادبی یا پژوهش‌های تطبیقی به‌ندرت دیده می‌شود. در نوشتار پیش رو با تأمل در موضوع صبر و شرح و تفسیر آن در متون ادب فارسی، دیدگاه ایرانیان پیش از اسلام بررسی شده است. لازم به ذکر است آنچه در پی‌نوشت پژوهش حاضر آمده است، گامی در چارچوب ادبیات تطبیقی و مقایسه مضامین مشترک ایرانی، اسلامی و عربی است.

### ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

ضرورت نوشتار پیش رو در ترسیم اندیشه‌های ایرانیان پیش از اسلام به‌عنوان ملتی متمدن و دارای فکر و

فرهنگ است که به سبب کمبود منابع پهلوی، در بوتۀ فراموشی افتاده است. اهمیت پژوهش در تأثیرگذاری ادب و فرهنگ ایرانی در ادب عربی است. این در حالی است که عموم شارحان متون ادب فارسی، ادبیات فارسی را به طور مطلق وابسته به ادب عربی می‌دانند. هدف از این مقایسه، گامی در مسیر ادبیات تطبیقی با موضوع واحد و تبیین ریشه‌های حکمی بسیاری از سخنان است که آبخور آن‌ها ادب فارسی است؛ ولی امروز لباس عربی به تن دارند.

### ۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- نگرش ایرانیان باستان به هستی و انسان و روابط انسانی چگونه بوده و تا چه میزان اندیشه‌های آنان بر فرهنگ و ادب این مرز و بوم تأثیر گذاشته است؟  
- ایرانیان پیش از اسلام با امور اخلاقی از جمله صبر، چگونه روبه‌رو شده‌اند؟  
- اخلاقیات ایرانیان پیش از اسلام، چه تأثیری در ادب عربی گذاشته است؟

### ۱-۴. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در زمینه سرچشمه‌های فکری شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان صورت گرفته است؛ اما براساس اطلاعات نظام‌مند، پژوهش ویژه‌ای که با استناد به منابع عربی، موضوع صبر را در فرهنگ و ادب ایرانیان پیش از اسلام بررسی کرده باشد، یافت نشد.

### ۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و برپایه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی انجام شده است. در نوشتار پیش رو ابتدا نمونه‌هایی از مضمون صبر و شرح و تفسیر آن‌ها در متون ادب فارسی استخراج شد، سپس دیدگاه ایرانیان پیش از اسلام با آن مقایسه و بررسی شد. در پی نوشت مضامین مشترک ایرانی، اسلامی و عربی از مقوله صبر با یکدیگر مقایسه شده است.

### ۲. پردازش تحلیلی موضوع

#### ۲-۱. موضوع صبر در متون ادب فارسی

#### ۲-۱-۱. امثال و حکم (علی اکبر دهخدا)

دهخدا در امثال و حکم شانزده جمله حکیمانه و شعر عربی با مضمون صبر نقل کرده و هیچ اشاره‌ای به پیشینه این سخنان حکیمانه در ایران باستان نکرده است<sup>(۳)</sup>:

۱. إِذَا لَمْ يَكُنْ يُجِى الْفِرَارُ مِنَ الرَّدَى عَلَى خَالَةٍ فَالْصَّبْرُ أَوْلَى وَأَحْزَمُ

(ابی فراس حمدانی؛ دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۱: ۹۴)

- (ترجمه: اگر فرار از مرگ نجات‌بخش نیست؛ در هر حال شکیبایی سزاوارتر است و به احتیاط نزدیک.)
۲. «الإِيمَانُ نِصْفَانِ؛ نِصْفٌ صَبْرٌ وَنِصْفٌ شُكْرٌ.» (منسوب به علی ع؛ همان، ج ۱: ۲۳۶) (ترجمه: ایمان دو نیمه است، نیمی شکیبایی و نیمی شکر.)
۳. «الْجُرْعُ أَتَعَبُ مِنَ الصَّبْرِ.» (منسوب به علی ع؛ همان، ج ۱: ۲۳۹) (ترجمه: بی‌تابی سخت‌تر از شکیبایی است.)
۴. «الْجُرْعُ عِنْدَ الْبَلَاءِ قَمَامُ الْمَحْتَمَةِ.» (همان، ج ۱: ۲۳۹) (ترجمه: بی‌تابی هنگام گرفتاری و بلا کمال رنج و محنت است.)
۵. «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ.» (ترجمه: صبر کلید پیروزی است.) (همان، ج ۱: ۲۵۵)
۶. «الصَّبْرُ أَحَبُّ بَدْوَى الْحِجِيِّ.» (ترجمه: شکیبایی خردمندان را سزاوارتر.) (همان، ج ۱: ۲۵۵)
۷. «الصَّبْرُ حِيلَةٌ مَنْ لَيْسَ لَهُ حِيلَةٌ.» (ترجمه: شکیبایی چاره آن کس باشد که دستش از چاره‌های دیگر کوتاه است.) (همان، ج ۱: ۲۵۵)
۸. «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تُكْرَهُ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.» (ترجمه: شکیبایی بر دو گونه است شکیبایی بر ناپسند و شکیبایی از پسندیده.) (منسوب به علی ع؛ همان، ج ۱: ۲۵۵)
۹. «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرُّوحِ مِنَ الْجَسَدِ.» (ترجمه: جایگاه شکیبایی در دین جایگاه جان در تن باشد.) (حدیث؛ همان، ج ۱: ۲۵۵)
۱۰. «ثَمَرَةُ الصَّبْرِ نُجْحُ الظَّفَرِ.» (ترجمه: میوه صبر رسیدن به پیروزی است.) (همان، ج ۲: ۵۷۳)
۱۱. إِي زَائِيَتْ وَفِي الْأَيَّامِ تَجْرِبَةٌ  
وَقَالَ مَنْ جَدَّ فِي أَمْرِ يُطَالِبُهُ  
لِلصَّبْرِ عَاقِبَةٌ مَحْمُودَةٌ الْأَثَرِ  
وَاسْتَصْحَبَ الصَّبْرَ إِلَّا فَازَ بِالظَّفَرِ
- (ترجمه: در گذشت روزگار تجربه‌هاست. من عاقبت پسندیده‌ای را برای صبر دیدم. به‌ندرت کسی در خواسته‌های خود در صبر و شکیبایی جدیت می‌کند؛ مگر اینکه پیروز می‌شود.)
۱۲. «الصَّبْرُ مَطِيئَةُ الظَّفَرِ.» (همان، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۰۵۲) (ترجمه: صبر مرکب پیروزی است.)
۱۳. «الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةً.» (منسوب به علی ع؛ همان، ج ۲: ۱۰۵۲) (ترجمه: شجاعت یک ساعت صبر است.)
۱۴. «قَدُمُ النَّصْرِ مَعَ الصَّبْرِ.» (همان، ج ۲: ۱۱۵۸) (ترجمه: آمدن پیروزی با صبر است)
۱۵. «مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ لَا إِيمَانَ لَهُ.» (همان، ج ۴: ۱۷۴۸) (ترجمه: کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.)
۱۶. «يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ.» (منسوب به علی ع؛ همان، ج ۴: ۲۰۶۳) (ترجمه: صبر به اندازه مصیبت نازل می‌شود.)

## ۲-۱-۲. متنّبی و سعدی (حسینعلی محفوظ)

محفوظ در کتاب متنّبی و سعدی، چهار عبارت و بیت از سعدی را با مضمون صبر برگرفته از منابع عربی

دانسته است:

۱. تکبّر کند مرد حشمت پرست      نداند که حشمت به حلم اندر است  
«أحلم تنبّل.» (محفوظ، ۱۳۷۷: ۱۵۰) (ترجمه: صبور باش تا بزرگ شوی).

۲. منشین ترش از گردش ایام که صبر      تلخ است ولیکن بر شیرین دارد  
لَسِنَ كَأَنَّ بَدَأَ الصَّبْرِ مُرًّا مَذَاقُهُ      لَقَدْ يَجْتَنِي مَنَ عِبَهُ الثَّمَرِ الحَلْوُ

(همان: ۱۷۴)

(ترجمه: اگرچه مزه صبر در ابتدای آن تلخ است، به یقین کسی که صبوری می کند، میوه شیرینش را می چیند).

۳. گنج صبر اختیار لقمانست      هر کرا صبر نیست حکمت نیست

«وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ.» (همان: ۸۲) (ترجمه: بر آنچه به تو وارد می شود صبوری کن؛ زیرا این از کارهای بسیار مهم است).

۴. کارها به صبر بر آید و مستعجل به سر در آید.

قَدْ يُدْرِكُ الْمُتَأَنِّي بَعْضَ خَاجِبِهِ      وَقَدْ يَكُونُ مِنَ الْمُسْتَعَجِلِ الزَّلْزَلُ

(القطامي؛ همان: ۱۸۸)

(ترجمه: چه بسا تأمل کننده به هدف خود می رسد و لغزش و خطا نصیب عجل می شود).

## ۲-۱-۳. شرح دیوان ناصر خسرو (مهدی محقق)

محقق سه بیت از ناصر خسرو را متأثر از پنج عبارت عربی دانسته است:

۱. بررس به کارها به شکیبایی      زیرا که نصرت است شکیبارا

(ناصر خسرو؛ محقق، ۱۳۴۰)

«لَا يَعْدِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ الزَّمَانُ بِهِ.» (نصح البلاغه): (ترجمه: صبور از پیروزی محروم نمی شود، اگرچه زمانی طولانی بر او بگذرد).

«قَمْرَةُ الصَّبْرِ نُجْحُ الظَّفْرِ.» (مجمع الامثال، همان: ۳۹) (ترجمه: میوه صبر پیروزی است).

۲. چو صبر تلخ باشد پند لیکن      به صبرت پند چون صبرت شود قند

«أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ.» (تلخ تر از صبر)؛ «الصَّبْرُ كَأَمِّهِ» (ترجمه: صبر مانند اسمش است). (همان، ۱۳۸۶: ۶۲)

۳. تخم ظفر نیست مگر صبر بر      صبر چو زیتون و ظفر روغن است

«مَنْ تَبِعَ الصَّبْرَ تَبِعَهُ النَّصْرُ.» (همان: ۵۶): (ترجمه: هر کس از صبر پیروی کند پیروزی از او پیروی می کند).

## ۲-۱-۴. شرح گلستان و بوستان (غلامحسین یوسفی)

یوسفی در شرح دو بیت از سعدی دو عبارت عربی آورده است:

۱. «منشین ترش...»؛ «الصَّبْرُ كَأَسْمِهِ وَعَاقِبَتُهُ الْحَلْوُ» (ترجمه: صبر مانند اسمش (تلخ) است و عاقبتش شیرین است).  
(انوشروان؛ یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۸۳)

۲. همی گفت غلغل کنان از فرح و من دقّ باب الکریم انفتح  
«بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرْحُ وَمَنْ يُدْمِنُ قَرَعَ الْبَابِ يَلْجُ.» (ترجمه: بر اثر صبر گشایش انتظار می‌رود و کسی که به کوبیدن در  
ادامه دهد، سرانجام به خانه داخل می‌شود.) (همان، ۱۳۶۸: ۳۰۶)

## ۲-۱-۵. شرح گلستان و بوستان (محمد خزائلی)

خزائلی (۱۳۶۸: ۲۷۲) در شرح بیت زیر از گلستان، یک بیت عربی آورده است.

منشین ترش از گردش ایام که صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد  
الصَّبْرُ مِثْلُ اسْمِهِ فِي كُلِّ نَائِبَةٍ لَكِنْ عَوَاقِبُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ  
(ترجمه: صبر مانند اسمش در هر مصیبتی تلخ است؛ ولی پایانش شیرین‌تر از عسل است.)

## ۲-۱-۶. مضامین مشترک ادب فارسی و عربی (سید محمد دامادی)

دامادی پنج عبارت و بیت از سعدی را با هشت عبارت و بیت عربی به شرح زیر مقایسه کرده است:

۱. منشین رو ترش از گردش ایام که صبر... (سعدی)

الصَّبْرُ مِثْلُ اسْمِهِ فِي كُلِّ نَائِبَةٍ لَكِنْ عَوَاقِبُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ

(۱۳۷۹: ۵۳)

۲. منشین ترش از گردش ایام که صبر... (سعدی)

لَئِنْ كَانَ بَدَأَ الصَّبْرُ مُرّاً مَذَاقُهُ لَقَدْ يُجْتَنَى مِنْ حَبِّهِ التَّمْرُ الْحَلْوُ

(همان: ۲۴۴)

(ترجمه: اگر شکیبایی در آغاز مزه‌اش تلخ است، سرانجام میوه شیرین از آن چیده می‌شود.)

۳. صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

(حافظ)

ناصروران چو خاک و چون بادند ظفر و صبر هر دو همزادند

(سنایی)

إصْبِرْ قَلِيلًا وَكُنْ بِاللَّهِ مُعْتَصِمًا وَلَا تُعَاجِلْ فَإِنَّ الْعَجْزَ بِالْعَجَلِ

(ترجمه: کمی صبر کن و بر خدا توکل کن، عجله نکن؛ زیرا عجله موجب ناتوانی است.)

«الصَّبْرُ عُنْوَانُ الظَّفْرِ وَالصَّبْرُ فِي المِحْنِ عُنْوَانُ الفَرْحِ.» (رسالة قشیریه؛ دامادی، ۱۳۷۹: ۵۶۸) (ترجمه: شکیبایی نشانه

پیروزی و صبر در امتحان‌ها نشانه شادی است.)



۴. در ذوق خرد، چون صبر به گیتی

در تصفیۀ حادثه شهد و شگری نیست

(سعدی)

«هِيَ الصَّبْرُ لَكِنْ يَلْزِمُ الصَّبْرَ عِنْدَهَا وَأَثَارَهَا خُلُوٌّ وَتِلْكَ الْمَرَاتِبُ.» (دامادی، ۱۳۷۹: ۵۳۷) (ترجمه: این صبر است ولی

تلخی صبر با آن همراه است؛ و میوه‌های آن شیرین است و این مراحل است.)

۵. «کارها به صبر بر آید و مستعجل به سر در آید.» (سعدی)

قَدْ يُدْرِكُ الْمُثَابِي بِعَضِّ حَاجِبِهِ وَقَدْ يَكُونُ مَعَ الْمُسْتَعْجِلِ الزَّلَلُ

(همان: ۲۷۶)

(ترجمه: چه بسا آهسته کار به برخی از نیازهای خود برسد و از شتاب زده بیشتر خطا و لغزش دیده می‌شود.)

۶. بشکيب از يرا که همی دست نيابد

بر آرزوی خویش مگر مرد شکيبا

«مَنْ تَبِعَ الصَّبْرَ تَبِعَهُ النَّصْرُ.» (ترجمه: هر کس شکیبایی پیش گیرد، پیروزی او رایار می‌گردد.) (التمثيل والمحاضرة؛

همان: ۳۱۵)

## ۲-۱-۷. شرح مثنوی (فروزانفر، زرین کوب، شهیدی و استعلامی)

فروزانفر، شهیدی، زرین کوب و استعلامی، پنج بیت از مولانا را با موضوع صبر، برگرفته از چند عبارت عربی دانسته‌اند:

۱. گفت ای هدیه حق و دفع حرج

معنی الصبر مفتاح الفرج

(مولوی، ۱۳۷۹: ۹)

«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ.» (زرین کوب، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۴۳) (ترجمه: صبر کلید پیروزی است.)

۲. گفت لقمان صبر هم نیکو دمیست

که پناه و دافع هر جا غمیست

(مولوی، ۱۳۷۹: ۴۲۲)

«الصَّبْرُ حِكْمٌ وَقَلِيلٌ فَاعْلُهُ.» (استعلامی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۳۱۲) (ترجمه: در سکوت حکمت‌هاست ولی به کاربرنده آن اندک است.)

۳. مکر شیطانست تعجیل و شتاب

لطف رحمانست صبر و احتساب

(مولوی، ۱۳۷۹: ۸۴۴)

«الْقَائِي مِنَ الرَّحْمَنِ وَالْتَعْجِيلُ مِنَ الشَّيْطَانِ.» (استعلامی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۲۱۳) (ترجمه: آرامش و درنگ از خداوند رحمان و شتاب، از شیطان است.)

۴. عاقبت جوینده یابنده بود

که فرج از صبر زاینده بود

(مولوی، ۱۳۷۹: ۹۴۹)

«مَنْ طَلَبَ وَجَدَ» (ترجمه: کسی که بجوید می‌یابد). «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَهُ»: (ترجمه: کسی که چیزی را بجوید آن را می‌یابد). «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَهُ وَإِنْ لَمْ يَجِدْهُ يُوْشِكُ أَنْ يَقَعَ قَرِيباً مِنْهُ»: (ترجمه: کسی که چیزی را بجوید آن را می‌یابد و اگر نیافت، امید دستیابی به آن در او زیاد می‌شود). «مَنْ طَلَبَ الشَّيْءَ وَجَدَهُ وَجَدَهُ»: (ترجمه: کسی که چیزی را بجوید و تلاش کند آن را می‌یابد). (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۱)

۵. ماهمی گفتیم کم نال از حرج صبر کن کالصبر مفتاح الفرج  
این کلید صبر را اکنون چه شد ای عجب منسوخ شد قانون چه شد

(مولوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸۹)

«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ: شکیبایی کلید گشایش است.» (شهیدی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۵۷۹)

## ۱-۲-۸. شرح دیوان حافظ (خرمشاهی و دارابی)

خرمشاهی و دارابی برای سه بیت از دیوان حافظ، شواهد عربی بیان کرده‌اند. خرمشاهی (۱۳۹۶، ج ۱: ۶۷۳-۶۷۵) در ادامه بیت زیر درباره صبر توضیحات بسیاری داده؛ اما اشاره‌ای به این مضمون در ایران باستان نکرده و فرهنگ غنی ایرانیان از دید نافذ ایشان مخفی مانده است:

۱. شگر به صبر دهد عاقبت ولی بدعهدی زمانه امانم نمی‌دهد

از جمله شواهدی که بیان کرده است: «أُبْتَلِينَا بِالصَّرَاءِ فَصَبْرَنَا وَأُبْتَلِينَا بِالسَّرَاءِ فَلَمْ نَصْبِرْ». (ترجمه: دچار رنج و سختی شدیم و شکیبایی کردیم ولی چون با خوشی و ناز و نعمت روبه‌رو شدیم، شکیبایی نورزیدیم و خویشتن‌داری نکردیم.)

«الصَّبْرُ أَنْ تَصْبِرَ بِالصَّبْرِ.» (حقیقت صبر آن است که در صبر هم صابر بود.)

«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نخل: ۱۲۷) (ترجمه: صبر کن و صبوری تو جز به مدد خداوند نیست.) (خرم‌شاهی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۶۷۴-۶۷۵)

دارابی نیز در ذیل دو بیت زیر از حافظ، به دو آیه قرآن اشاره کرده است:

۲. دلا در عاشقی ثابت قدم باش که در این ره نباشد کار بی‌اجر

«وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۵) (دارابی، ۱۳۶۲: ۱۴۸) (ترجمه: و صبر کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد.)

۳. صبر کن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیایی کام را

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳) (دارابی، ۱۳۶۲: ۱۵۲) (ترجمه: بی‌شک خدا با شکیبایان است.)

## ۲-۲. صبر در فرهنگ ایرانی و بازتاب آن در ادب عربی و فارسی

چنان که ملاحظه شد، در امثال و حکم که گزیده‌ای از متون ادب فارسی است و نیز در شرح شارحان ادب

فارسی به جز غلامحسین یوسفی که در یک مورد به انوشروان اشاره کرده، هیچ کدام شاهدی از شواهد ایرانی را نیاورده‌اند؛ به گونه‌ای که تنها برداشت خواننده از متن و دیدگاه این پژوهشگران ارجمند این است که ادب پارسی وام‌دار ادب عربی است و ایرانیان پیشینه فرهنگی خاصی نداشته‌اند و با امور اخلاقی بیگانه بوده‌اند؛ این در حالی است که عاکوب (۱۹۸۹: ۱۱۲) پژوهشگر سوری می‌گوید: «یکی از مشخص‌ترین صفاتی که پندهای فارسی بر آن تأکید کرده است، تحمل و بردباری است.»

براساس پژوهش حاضر، دست‌کم سی جمله حکیمانه با مضمون صبر و زیرمجموعه‌هایی همچون اهمّیت صبر، نتایج صبر، انواع صبر، توصیه به صبر، رابطه عقل و صبر و... از ایرانیان باستان در منابع عربی دیده می‌شود؛ همچنین در امثال «مولد» (غیر عربی و نوخاسته) دو مثل با مضمون صبر دیده می‌شود که از مقایسه آن‌ها با حکمت‌های ایرانی به گمان قوی می‌توان گفت که ایرانی هستند؛ افزون بر این، اشعار و امثال عربی و فارسی بسیاری با مضمون صبر دیده می‌شود که حکمت‌های ایرانی را می‌توان سرچشمه و آبشخور آن‌ها دانست؛ زیرا از لحاظ تاریخی بر آن‌ها تقدّم دارند. در این بخش به نمونه‌هایی از مضمون صبر که در منابع عربی از ایرانیان باستان نقل شده، اشاره می‌کنیم.

## ۲-۱-۲. اهمّیت صبر

۱. بزرگمهر برای نشان‌دادن نقش مهمّ صبر در زندگی و روابط انسانی می‌گوید: صبر را از الاغ آموختم: «أنوشروان لِبزرجمهر: مَنْ أَدَبَكَ؟ قَالَ: قَرِيحِي، نَطَرْتُ إِلَى مَا اسْتَحْسَنْتَ مِنْ غَيْرِي فَاسْتَعْمَلْتُهُ، وَمَا اسْتَقْبَحْتُهُ اجْتَنَبْتُهُ<sup>(۳)</sup>، وَلَقَدْ تَقَدَّمْتُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَحَاسِنَهُ، فَأَخَذْتُ مِنَ الْخِزِيرِ قِنَاعَتَهُ، ... وَمِنْ الْحِمَارِ صَبْرَهُ ...» (قرطبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۰؛ ابن قتیبه، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۹) (ترجمه: انوشروان به بزرگمهر گفت: چه کسی تو را تربیت کرد؟ گفت: ذوق و استعدادم، هر چه را از دیگران پسندیدم، به کار بستم و هر چه را زشت یافتم، از آن دوری کردم، از هر چیز خوبی‌هایم را جستجو کردم، از خوک، قناعت، ... از الاغ، صبرش را...).

۲. در پندهای بزرگمهر صبر در کنار عقل، عفاف، امید، دین‌داری و خیرخواهی از اعمال نیک شمرده شده است: «قَالَ: وَمَا هَذِهِ الْأَعْمَالُ وَالْقُوَّةُ؟ قُلْتُ: الْعَقْلُ وَالْعَفَافُ وَالصَّبْرُ وَالرَّجَاءُ وَالذِّينُ وَالنَّصِيحَةُ<sup>(۴)</sup>». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶:

۳۱) (ترجمه: گفت این کارها و این قدرت چیست؟ گفتیم: عقل و پاک‌دامنی و صبر و امید و دین و پند).

۳. بزرگمهر در اواخر عمر دست از دین‌پدران خود کشید و بنا به روایت بیهقی به دین عیسی (ع) گروید. انوشروان او را به زندان افکند و پس از دو سال در زندان را گشودند. همگان بر این گمان بودند که پس از گذراندن دوره سخت و تاریک زندان، با کمترین آب و غذا، لاغر و بیمار شده باشد و آثار آن در چهره و اندامش دیده می‌شود، ولی او را در سلامت کامل و حالی خوش یافتند. «یافتندش به تن قوی و گونه بر جای.»

بزرگمهر در پاسخ به مردمی که حیرت‌زده از او پرسیدند: چکار کرده‌ای که سختی زندان بر تو اثر نگذاشت؟ گفت: «برای خود گوارشی ساخته‌ام از شش چیز، هر روز لختی از آن بخوردم تا بدین بمانده‌ام. گفتند: ای حکیم اگر بینی آن معجون ما را بیاموز تا اگر کسی از ما را و یاران ما را کاری افتد و چنین حال پیش آید آن را پیش داشته آید. گفت نخست ... سیوم پیراهن صبر پوشیدم که محنت را هیچ چیزی چون صبر نیست<sup>(۵)</sup> و ...» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۶۷ و ۷۶۸)، منابع عربی عبارت بالا را به شکل زیر از بزرگمهر نقل کرده‌اند:

«... وَأَمَّا الثَّالِثُ فَالصَّبْرُ خَيْرٌ مَّا اسْتَعْمَلَهُ الْمُتَمَحِّنُ وَأَمَّا الرَّابِعُ: فَإِذَا لَمْ أَصْبِرْ فَمَاذَا أَصْنَعُ؟ وَلَا أَعِينُ عَلَيَّ نَفْسِي بِالْجَزَعِ<sup>(۶)</sup>. و...»<sup>(۷)</sup> (توخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۲۰؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۱؛ ابن دجاجی، بی‌تا: ۷۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۶؛ عاملی، ۱۹۲۸، ج ۲: ۸۲) (ترجمه: ... اما سومی: صبر، بهترین چیزی است که شخص مورد امتحان، به کار می‌برد، چهارم: اگر صبر نکنم پس چکار کنم و با بی‌قراری کردن نمی‌توانم به خودم کمکی کنم، ...)

۴. «كَانَ لِأَنْوَشِرَوَانَ أَرْبَعُ خَوَاتِيمَ: فَخَاتِمٌ لِلْخِرَاجِ ... وَخَاتِمٌ لِلْمَعُونَةِ نَقَشُهُ الْأَنَاةُ<sup>(۸)</sup>.» (مسعودی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۹۴؛ توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۲۵؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۵: ۱۲۴) (ترجمه: انوشروان چهار انگشتر داشت؛ انگشتری برای مالیات ... انگشتری برای کمک با نقش صبر...)

۵. «بزرگمهر: خصلت‌های نیک: حیا، نیک‌خویی، حلم، عفو، تواضع، سخاوت، راستی، صبر، شکر، رحمت، علم، عقل و عدل. هر که کاربند این خصلت‌ها باشد، ترتیب همه کارها بداند داد و او را در داشتن زبردستان و در احوال مملکت به هیچ مشیری و مدبری حاجت نباشد<sup>(۹)</sup>.» (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹)

۶. «قَالَ إِبْرُويزُ لِأَبِيهِ: «... وَمَنْ جَعَلَ لِلدَّامَةِ سُلْطَانًا عَلَى الْحِلْمِ.» (ابن قتیبیه، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۹) (ترجمه: و برای پشیمانی، قدرتی را بر صبر قرار نده.)

۷. «سُئِلَ كَسْرِي أَنْوَشِرَوَانَ: «مَا قَدَّرُ الْحِلْمُ؟» فَقَالَ: «وَكَيْفَ تَعْرِفُ قَدْرَ مَا لَمْ يَرَ كَمَالَهُ أَحَدٌ.» (ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۰۴) (ترجمه: از کسری انوشروان سؤال شد: ارزش صبر چیست؟ گفت: چگونه ارزش چیزی را می‌فهمی که کسی کمالش را ندیده است؟)

## ۲-۲-۲. نتایج صبر

در دیدگاه ایرانیان صبر و شکیبایی به سبب نتایج خوب آن از صفات پسندیده است؛ برخی نتایج صبر از دیدگاه آنان عبارت است از: آرامش در زندگی، شادی، موفقیت و ایزاری برای مقاومت در برابر بلاها و مصیبت‌هایی که چاره‌ناپذیرند:

## ۲-۳-۱. صبور مثل کسی است که بلا ندیده

۱. «قَالَ كَسْرِي: «مَنْ صَبَرَ عَلَى النَّازِلَةِ، كَانَ كَمَنْ لَمْ تُنْزَلْ بِهِ<sup>(۱۰)</sup>.» (جاحظ، ۱۴۲۳: ۶۹؛ ثعالبی، بی‌تا: ۶۴) (ترجمه:

کسری: هر کس در بلا صبر کند، مانند کسی است که بلایی بر وی نازل نشده است.)

### ۲-۲-۲. صبور شاد و راضی است

۲. قَالَ بُرْجَمَهُ: «انْتَظِرُ الْفَرْجَ بِالصَّبْرِ يُعْقَبُ الْاِعْتِبَاطُ.» (توخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۱۶۲) (ترجمه: بزرگمهر: انتظار فرج با صبر، موجب شادی است.)

### ۲-۲-۳. صبور، اندوه کمتری دارد

۳. «سُئِلَ عَن قُبَادٍ: «مَا بَالُ الْعُلَمَاءِ أَكْثَرَ النَّاسِ فَرَحًا وَأَقْلَهُمْ حُزْنًا؟» قَالَ: «فَرَحُهُمْ لِمَا قَدَّمُوا لِأَخْرَجِهِمْ مِنَ الْحَيْرِ، وَقَلَّةُ حُزْنِهِمْ لِصَبْرِهِمْ وَرِضَاهُمْ بِمَا يُصِيبُهُمْ»<sup>(۱۱)</sup>» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۴۲) (ترجمه: چرا دانشمندان شادترین مردم و کم غصه‌ترین آنان هستند؟ گفت: شادی آنان به‌واسطه کارهای نیکی است که برای آخرتشان فرستاده‌اند و غصه‌اندک آنان به‌واسطه صبر و رضایت آنان در مقابل رنج‌هایی است که به ایشان می‌رسد.)

### ۲-۲-۴. صبور کامیاب است

۴. «قَالَ أَنُوشِرَوَانُ: «مَا اسْتَنْجَحْتُ الْأُمُورَ بِمِثْلِ الصَّبْرِ، وَلَا اِكْتَسَبْتُ الْبَغْضَاءَ بِمِثْلِ الْكِبَرِ.»» (نوبری، ۱۴۲۳، ج ۶: ۱۲۸) (ترجمه: انوشروان گفت: با هیچ چیز مانند صبر، طلب پیروزی بر کارها نکردم و با هیچ چیز مانند غرور، خشم و کینه را نصیب خود نکردم.)

۵. «مِنْ حِكْمِ الْفَرَسِ: «... وَلَا تَشْكَنَّ فِي أَنَّ الثُّوَّةَ وَالْغَلْبَةَ لِلْحَلِيمِ»<sup>(۱۲)</sup>» (ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۷۶) (ترجمه: ... شک نکن که توانایی و غلبه با صبور است.)

### ۲-۲-۵. صبور بهره‌مند است

۶. «كَتَبَ كَسْرِي لِي بُرْجَمَهُ وَهُوَ فِي الْحُسْبِ: «كَانَ مِنْ ثَمَرَةِ عِلْمِكَ وَعَقْلِكَ أَنْ صِرْتَ أَهْلًا لِلْقَتْلِ» فَأَجَابَهُ: «أَمَا إِنْ كَانَ مَعِيَ الْجَدُّ كُنْتُ أَنْتَفِعُ بِثَمَرَةِ عَقْلِي فَالآنَ إِذْ لَا جَدَّ مَعِيَ أَنْتَفِعُ بِثَمَرَةِ الصَّبْرِ.»» (ابن قتیبه، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۲؛ قرطبی، بی‌تا: ۳۸) (ترجمه: زمانی که بزرگمهر در زندان بود، کسری برای وی نوشت: ثمره علم و عقل تو این بود که سزاوار مرگ شدی! بزرگمهر در جوابش نوشت: اگر بخت و اقبال با من باشد از ثمره عقلم بهره‌مند می‌شوم و اکنون که بخت با من نیست، از ثمره صبر، بهره می‌برم.)

### ۲-۲-۶. صبور به هدف خود می‌رسد

۷. «شاپور: الصَّبْرُ دَرَكٌ»<sup>(۱۳)</sup>» (توحیدی، بی‌تا، ج ۱/۲: ۶۹): (ترجمه: صبر موجب رسیدن است.)

### ۲-۲-۳. تشبیهات مربوط به صبر

ایرانیان باستان برای ترسیم افکار و اندیشه‌های خود از تشبیه و استعاره غافل نبوده‌اند، به همین سبب صبر را به گیاهی تلخ و عاقبت آن را به عسل تشبیه کرده‌اند، آن را چون قلعه‌ای محافظ زندگی و روابط اجتماعی دانسته، همچنین صبر را به کلیدی برای رسیدن به موفقیت و بهار قلب تشبیه کرده‌اند و در یک مورد هم در

قالب استعاره مکنیه آن را به شمشیری تشبیه کرده‌اند که چنگال گرفتاری‌ها را درهم می‌شکند:

### ۲-۳-۱. تشبیه صبر به گیاه صبر

۱. «الصَّبْرُ كَأَمِّهِ وَعَاقِبَتُهُ الْعَسَلُ»<sup>(۱۴)</sup> (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۵۲۵، منسوب به انوشروان) (ترجمه: صبر مانند اسمش (تلخ) است ولی عاقبتش چون عسل است.)

### ۲-۳-۲. تشبیه صبر به حصار

۲. «قَالَ بُزْرَجْمَهُ: «الثَّائِبِيُّ حَصْنٌ مِّنْبَعٌ إِلَيْهِ يَتَوَافَى الرَّأْيُ وَبِهِ يَسْتَمَاحُ التَّجِيحُ، وَيَتَوَقَّعُ الظَّفَرُ بِكُلِّ مَطْلُوبٍ»» (زجاجی، ۱۴۰۷: ۲۲) (ترجمه: بزرگمهر: صبر، قلعه‌ای بلند است که اندیشه با آن بالا می‌رود و فرد موفق به واسطه آن، به موفقیت می‌رسد و از آن، انتظار موفقیت در خواسته‌هایش را دارد.)

### ۲-۳-۳. تشبیه صبر به بهار قلب

۳. از حکمت‌های ایرانیان: «الصَّبْرُ رَيْعُ الْقَلْبِ» (توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۲۰۱) (ترجمه: صبر، بهار قلب است.)

### ۲-۳-۴. تشبیه به طلا به‌دست‌آوردن

۴. رُسْتَم: «حُسْنُ الصَّبْرِ طَلِيعَةُ الظَّفَرِ» (ثعالی، بی‌تا: ۵۳؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۲۲) (ترجمه: صبر نیکو، طلوعه (ابتدای) پیروزی است.)

### ۲-۳-۵. تشبیه به کلید

۵. ایرانیان گفته‌اند: «مِفْتَاحُ عَزِيمَةِ الصَّبْرِ تَعَالِجُ مَغَالِيقَ الْأُمُورِ»<sup>(۱۵)</sup>. (توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۵۳؛ زنجشیری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۹۴) (ترجمه: با کلید صبر، گرفتاری‌های بزرگ، حل می‌شود.)

۶. «كَانَ مَكْتُوبًا فِي قَصْرِ أَرْدَشِيرَ: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الدَّرَكِ»» (ماوردی، ۱۹۸۶: ۲۹۰؛ طرطوشی، ۱۸۷۲: ۹۸) (ترجمه: بر قصر اردشیر نوشته شده بود: صبر، کلید رسیدن است.)

### ۲-۳-۶. تشبیه به حجاب بدی‌ها

۷. «الْحِلْمُ حِجَابُ الْأَفَاتِ» (ثعالی، بی‌تا: ۴۰، منسوب به خسرو): (بردباری، مانع آفت‌هاست.)

### ۲-۳-۷. تشبیه به تیغ و شمشیر

۸. از حکمت‌های ایرانیان: «الصَّبْرُ يُقَلِّمُ أَظْفَارَ الْخُطُوبِ»<sup>(۱۶)</sup>. (توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۲۰۱) (ترجمه: صبر، ناخن‌های (چنگال‌های) گرفتاری‌ها را می‌گیرد.)

### ۲-۳-۸. تشبیه به دوست

۹. «الصَّبْرُ صَدِيقُ الظَّفَرِ»<sup>(۱۷)</sup> (طرطوشی، ۱۸۷۲: ۱۹۰): (ترجمه: صبر دوست پیروزی است.)

### ۲-۴. رابطه عقل و صبر

نقش عقل در شکیبایی و متانت در حکمت‌های ایرانی بسیار پررنگ است، به این معنی که عاقلان به سبب

خرد و عقلانیت از نعمت صبر برخوردارند:

۱. «قَالَ أَرْدَشِيرٌ لَمَّا كَمَلَ مُلْكُهُ وَأَبَادَ أَعْدَاءَهُ: «إِنَّهُ لَمْ يَحْكَمْ حَاكِمٌ عَلَى الْعُقُولِ كَالصَّبْرِ، وَلَمْ يَحْكَمْهَا مُحْكِمٌ كَالْتَجْرِبَةِ» (۱۸)». (طروش، ۱۸۷۲: ۶۲) (ترجمه: زمانی که حکومت اردشیر کامل شد و دشمنانش را نابود کرد، گفت: چیزی مانند صبر، بر عقل‌ها حکومت نمی‌کند و چیزی مانند تجربه، عقل‌ها را محکم، نمی‌سازد.)
۲. «قِيلَ: مَا تَوْفِيرُ الْعَقْلِ؟ قَالَ: (انوشروان) أَنْ تَطْرَحَ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۲): (ترجمه: گفته شد: کمال عقل چیست؟ انوشروان گفت: این است که غم و اندوهی را که بر آدمی وارد می‌شود، با صبر فراوان از خود دور کنی.)
۳. «سُئِلَ أَنْوَشِرَوَانُ: «مَا ثَمَرَةُ الْعَقْلِ؟» قَالَ: «ثَمَارَةُ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ كَثِيرَةٌ... وَمِنْهَا أَلَّا يَعْمَلَ عَمَلًا إِلَّا بَعْدَ التَّنَبُّتِ وَالرَّفْقِ وَالْأَنَاقَةِ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۵) (ترجمه: از انوشروان سؤال شد: ثمره عقل چیست؟ گفت: ثمره‌های شریفش زیاد است ... اینکه کاری را جز با پایداری و پیگیری و صبوری انجام ندهد.)

## ۲-۵. انواع صبر

تیزبینی و باریک‌بینی ایرانیان، انواع صبر را از یکدیگر جدا کرده است، گاه لازم است که آدمی برای انجام کاری که سخت است و عقلانی صبوری نشان دهد و گاه برای خودداری از اموری که عقلانی نیست؛ ولی نفس آدمی مشتاق آن است، باید شکبیا باشد؛ همچنین صبر در دو حوزه جسمانی و روحی - روانی را تشخیص داده‌اند.

۱. «سُئِلَ أَنْوَشِرَوَانُ: «مَا الصَّبْرُ الْمُحْمُودُ؟» قَالَ: التَّبَاتُ عَلَى كُلِّ أَفْرٍ كَرِيمٍ وَرَمُّ الْهَوَى عَنْ كُلِّ أَفْرٍ لَيْمٍ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۱) (ترجمه: از انوشروان پرسیده شد: صبر جمیل چیست؟ گفت: ثبات قدم در هر کار بزرگی و مهار هوا و هوس از انجام هر کار زشتی.)
۲. «قَالَ أَنْوَشِرَوَانُ: «الصَّبْرُ مِنَ الشُّكْرِ وَالشُّكْرُ مِنَ الْفَضِيلَةِ. وَهُوَ نُوْعَانِ: صَبْرٌ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى (۱۹)، وَصَبْرٌ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى (۲۰). فَالصَّبْرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ، وَالصَّبْرُ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ.» (همان: ۵۱) (ترجمه: انوشروان: صبر، از شکر و شکر از فضیلت است و آن دو نوع است: صبر بر اطاعت خداوند و صبر از انجام معصیت او. صبر بر اطاعت خداوند، عمل به تکلیف بوده و صبر از انجام معصیت او، پرهیز از محرّمات است.)
۳. «أَنْوَشِرَوَانُ: وَعَلِمَ أَنَّ الصَّبْرَ صَبْرَانِ: صَبْرُ الْمَرْءِ عَلَى مَا يَكْرَهُ وَصَبْرُهُ عَمَّا يُحِبُّ (۲۱)». (همان: ۵۱) (ترجمه: بدان که صبر دو نوع است، صبر آدمی بر آنچه دوست ندارد و آنچه دوست دارد.)
۴. «أَرْدَشِيرُ: وَعَلِمُوا أَنَّ الْكِرَامَ أَصْبَرَ نَفُوسًا، وَاللِّئَامَ أَصْبَرَ أَجْسَامًا (۲۲)» (قرطبی، بی تا، ج ۱/۲: ۶۲۹؛ زنجشیری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۲۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۳۹) (ترجمه: بدانید که جوانمردان از لحاظ روح و فرومایگان از لحاظ بدنی صبورترند.)

راغب اصفهانی بیت زیر از ابوتمام را مأخوذ از کلام اردشیر می‌داند:

وَالصَّبْرُ بِالْأَرْوَاحِ يُعْرِفُ فَضْلُهُ صَبْرُ الْمَلُوكِ وَلَيْسَ بِالْأَجْسَامِ

(۱۴۲۰، ج ۲: ۱۵۴)

(ترجمه: صبر شاهانه صبر روحی است که ارزش آن شناخته شده، صبر واقعی جسمانی نیست.)

## ۲-۲-۶. صبر چاره دردهای بی‌درمان

برخی مصیبت‌های زندگی همچون ازدست‌دادن عزیزان و بلاهای ناگهانی، چاره‌ای جز صبوری ندارد، در پندهای ایرانی توصیه شده که در این موارد بی‌تابی فایده‌ای ندارد و تنها چاره صبر و شکیبایی است:

۱. «يُحْكِي عَنْ أَنُوشِرَوَانَ، أَنَّهُ قَالَ: «جَمِيعُ الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا، تُنْقَسِمُ عَلَى صَبْرَيْنِ، فَصَبْرٌ فِيهِ حِيلَةٌ، فَالْأَصْطِرَابُ دَوَاؤُهُ، وَصَبْرٌ لِاحِيلَةٍ فِيهِ، فَالْأَصْطِبَارُ شَفَاؤُهُ» (۲۳)». (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۱۹؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۲۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۲۹۹) (ترجمه: از انوشروان حکایت شده: همه سختی‌های دنیا به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که چاره دارند که در این صورت، تکاپو و جنبش، درمان آن است و دسته‌ای که چاره ندارند که صبر، شفای آن است. (۲۴))

## ۲-۲-۷. سختی صبر

۱. «قَالَ بُرْجُمَهْرُ: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ لَوْلَا أَنَّ النَّفَقَةَ عَلَيْهِ مِنَ الْعُمْرِ» (۲۵)». (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۹) (ترجمه: بزرگمهر: صبر چه زیباست! اگر نفقه آن، عمر نباشد. (۲۶))

## ۲-۲-۸. ترجیح صبر بر عجله

۱. «قَالَ أَذْرَبَادُ: «التَّائِبُ فِيمَا نَحَا فَعَلَهُ الْفَوْتُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَجَلَةِ إِلَى إِذْرَاكِ الْأَمَلِ»». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۶۷) (ترجمه: صبر بر چیزی که ترس از دست‌رفتن آن می‌رود، بهتر از عجله برای رسیدن به آرزوست)

۲. «انوشروان: «فَتَمْرَةُ الْعَجَلَةِ الْبِدَامَةُ» (۲۷)». (همان: ۵۴) (ترجمه: نتیجه شتاب، پشیمانی است.)

## ۲-۲-۹. صبر برای شاهان و حاکمان

۱. کسری یکی از ویژگی‌های مهم حاکم لایق را صبر در هنگام خشم می‌داند: «وَقِيلَ لِكَسْرِي: أَيُّ الْمُلُوكِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: ... وَإِذَا أَغْضَبَ كَانَ حَلِيمًا» (۲۸)». (قیروانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۱) (ترجمه: به کسری گفته شده کدام پادشاه برتر است؟ گفت: ... آنکه در هنگام خشم صبور باشد.)

۲. «قَالَ بُرْجُمَهْرُ: «لَا يَصْلُحُ لِقِيَادَةِ الْجُيُوشِ وَسَدِّ الثُّغُورِ وَتَدْوِيرِ الْمَمْلَكَةِ إِلَّا رَجُلٌ تَكَامَلَتْ فِيهِ خِلَالَ أَرْبَعٍ ... وَحَلْمٌ يَحْجُبُهُ عَنِ التَّهَوُّرِ فِي الْمَشْكَالَاتِ إِلَّا مَعَ إِمْكَانِ فُرْصَتَيْهَا ...» (خوارزمی، ۱۴۲۸: ۴۲۶) (ترجمه: بزرگمهر: فردی صلاحیت فرماندهی لشکریان، نگهبانی از مرزها و اداره کشور دارد که چهار خصوصیت داشته باشد... و دیگری صبر و حلمی است که او را از بی‌پروایی در مشکلات بازمی‌دارد مگر اینکه فرصت مناسبی برایش فراهم آید...)

## ۲-۲-۱۰. صبر در هنگام خشم

۱. «سئل أنوشروان: «مَا الَّذِي يَرُدُّ اشْتِعَالَ الْغَضَبِ؟» قَالَ: «ذَكَرُ الْغَضَبِ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ عَصِيانِ الْمُتْرُوبِ وَتَعَاطِيهِ



الْفَوَاحِشَ، وَحَلْمُهُ عَنْهُ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۷) (ترجمه: از انوشروان سؤال شد: چه چیزی مانع شعله‌ور شدن آتش خشم می‌شود؟ گفت: یاد خشم خدا از سرپیچی بنده و انجام کارهای بد و صبر خدا نسبت به او.)

۲. «سُئِلَ أَنْوَشُرَوَانُ: «أَيُّ مَنَاقِبِ الْمَرْءِ زَيْنٌ لَهُ؟» قَالَ: «الْحِلْمُ عِنْدَ الْعَصَبِ، وَ...» (همان: ۶۰) (ترجمه: از انوشروان پرسیده شد: کدام یک از خصلت‌های ستوده، زینتی برای انسان است. گفت: صبر به‌هنگام عصبانیت.)

### ۳. نتیجه‌گیری

سرچشمه بسیاری از مضامین حکمی در ادب فارسی و عربی در فرهنگ و ادب ایرانیان پیش از اسلام است که با ترجمه متون پهلوی به زبان عربی و نیز فرهنگ شفاهی در منابع عربی دیده می‌شود. شوربختانه این حکمت‌های جاودان از دید نافذ شارحان متون ادب فارسی و عربی به‌دور مانده برای هر مضمون حکمی، شاهدی از امثال و اشعار عربی نقل کرده‌اند به‌گونه‌ای که گمان عمومی بر این است که ادب فارسی در مضامین حکیمانه و امدار ادب عربی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیم حکمی در زبان عربی و فارسی پیشینه‌ای ایرانی داشته که به سبب تقدم تاریخی و ضبط در منابع عربی از اصالت بیشتری برخوردار هستند و لازم است توجه قرار گرفته تا گوشه‌ای از فرهنگ و تمدن بزرگ ولی ناشناخته این سرزمین به جهانیان معرفی شود.

### ۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) پررمز و راز از این لحاظ که پس از پیروزی اعراب بر ایرانیان، حفره‌ای تاریخی - فرهنگی در ایران نسبت به دوران پیش از اسلام به وجود آمد که به سبب از بین رفتن منابع قدیمی و یک خاموشی فرهنگی به مدت دو تا سه قرن، گذشته این مرز و بوم در غبار سنگینی از ابهام فرورفت.

(۲) اهمیت این عبارات‌های عربی از این لحاظ است که دهخدا آن‌ها را در متون ادب فارسی دیده و جمع‌آوری کرده است.

(۳) این عبارت یادآور ادب آموختن لقمان از بی‌ادبان در گلستان سعدی است.

(۴) هنگامی که حکیمان دربار انوشروان از بزرگمهر درباره فضایل اخلاقی و شایستگی می‌پرسند، همین صفت را برمی‌شمارد:

دگر گفت: کز ما چه نیکوترست      ز گیتی کرا نیکویی درخور است؟  
چنین داد پاسخ که آهستگی      کریمی و خوبی و شایستگی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ۱۸۵/۷)

(۵) با شاهد هفتم دهخدا مقایسه کنید: «مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجُرْعُ.» (صحیح البلاغه، حکمت ۱۵۸) (ترجمه: هر کس صبر او را نجات ندهد، بی‌تابی او را از پا درمی‌آورد.)

(۶) این جملات را با جمله سوم دهخدا مقایسه کنید.

(۷) این سخن بزرگمهر را با مضمون آیه قرآن کریم و عبارت ذیل از صحیح البلاغه مقایسه کنید: ﴿وَلَتَبْلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵) (ترجمه: بی‌تردید شما را با ترس، گرسنگی، ضرر مالی و جانی امتحان

می‌کنیم و صبرپیشگان را بشارت بده. «وَأِنْ اِثْبَاتِيُمْ فَاصْبِرُوا، فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّعِينَ.» (صحیح‌البلاغه، خطبه ۹۸) (ترجمه: اگر مورد آزمایش قرار گرفتید، صبور باشید که عاقبت (نیک) از آن متعین است.)

(۸) بعید نیست که جامی اشاره‌ای به انگشتر انوشروان داشته است:

خاتم صبر که عالی گهر است      نقش آن من صبر قد ظفر است

(جامی، ۱۳۷۸: ۱/۶۱۲)

(۹) «الْإِيمَانُ عَلَىٰ أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَمَلِ، وَالْجِهَادِ.» (صحیح‌البلاغه، حکمت ۳۰) (ترجمه: ایمان چهار ستون دارد: صبر، یقین، عدالت و جهاد.)

(۱۰) «من صبر علی التکبة کأنه لم ینکب.» (آمدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۶) (ترجمه: هر کس بر مصیبت صبر کند، گویی دچار مصیبت نشده است.)

(۱۱)

سَأَصْبِرُ حَتَّى تَنْجِلِي كُلَّ غَمَّةٍ      وَتَأْتِي بِمَا تَهْوَاهُ نَفْسِي الْمَقَادِرُ

(طغرائی، ۱۳۰۰: ۱۳۶)

(ترجمه: صبر خواهم کرد تا هر اندوهی به پایان برسد و تقدیر آنچه را که نفسم دوست دارد برای من بیاورد.)

(۱۲) با شاهد ۱۲ و ۱۴ دهخدا مقایسه کنید: «صبوری تو را کامکاری دهد» و «صبوری مایه فیروزی آمد» (دهخدا، ۱۳۵۲:

۱۰۵۲/۲) و «یوسف به صبر خویش پیمبر شد» (همان، ج ۴: ۲۰۶۳)

«بِالصَّبْرِ عَلَىٰ مَوَاقِعِ الْمَكْرُوهِ تُدْرِكُ الْحُطُوطُ.» (ابن‌منقذ، ۱۹۸۷: ۲۹۴) (ترجمه: با صبر کردن بر امور ناخوشایند، آرزوها و بهره‌ها به دست می‌آید.)

(۱۳) با شاهد ۱۱ دهخدا مقایسه کنید:

اصبر علی ریب الزمان فانه      بالصبر تدرک کل ما تتطلب

(ابوفراس، ۱۴۲۳: ۵۱)

(در سختی‌های روزگار صبور باش زیرا با صبر است که به خواسته‌های خود می‌رسی.)

«مَنْ تَأْتَىٰ أَدْرَكَ مَا تَمَنَّى.» (میدانی، ۱۹۵۵، ج ۲: ۳۲۸) (ترجمه: کسی که صبر داشته باشد به آنچه می‌خواهد می‌رسد.)

أَخْلِقُ بِذِي الصَّبْرِ أَنْ يَحْطَىٰ بِحَاجَتِهِ      وَوَدَمِنَ الْقَرْعِ لِلْأَبْوَابِ أَنْ يَلْجَا

(ترجمه: چه شایسته است که انسانی در پناه صبر، حاجتش برآورده شود. بسیاری کسانی که مصرانه درهایی را کوفته‌اند و سرانجام وارد شده‌اند.) (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۱۲۱)

(۱۴) رابطه شیرینی و صبر در ابیات زیر به روشنی دیده می‌شود:

شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی      بدعهدی زمانه زمانم نمی‌دهد

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۱۰)

من بعد حکایت نکنم تلخی هجران      آن میوه که از صبر برآمد شگری بود

(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۸۰)

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت      میوه شیرین دهد پرمفعت

(مولوی، نقل از دهخدا: ۱۳۵۲: ۷۸/۱)

(۱۵) با شاهد ۵ دهخدا مقایسه کنید: «مفتاح الظفر لزوم الصبر (آمدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۱۳) (ترجمه: کلید پیروزی صبر است.)

الصَّبْرُ مُفْتَاخُ مَا يُرْجَى وَكُلُّ خَيْرٍ بِهِ يَكُونُ

(رخجی، ۱۳۰۱: ۱۲۶)

(ترجمه: صبر، کلید هر چیزی است که آرزو می‌شود و هر خیری به وسیله آن ممکن می‌شود.)

در منابع ادب عربی، امثالی به نام «موگد» وجود دارد که براساس تعریف آن‌ها، عربی نیستند و در اثر اختلاط فرهنگی عرب‌ها با دیگر ملل جهان به ادب عربی نفوذ کرده‌اند. میدانی مثل ذیل را در زمره امثال موگد دانسته است: «الصَّبْرُ مُفْتَاخُ الْفَرْجِ» (میدانی، بی‌تا، ج ۱: ۴۵۱) (ترجمه: صبر کلید فرج است). تأمل در این مثل نشان می‌دهد که ایرانی است.

(۱۶) ایجاز و تخیل این سخن حکیمانه شگفت‌آور است، صفت بریدن برای صبر و چنگال برای بلایا دو استعاره مکنیه زیبا در یک عبارت عربی است که فقط از چهار واژه تشکیل شده است.

(۱۷) سنایی و حافظ در دو بیت:

ناصروران چو خاک و چون بادند      ظفر و صبر هر دو همزادند

(سنایی، ۱۳۸۳: ۵۷۷)

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند      بر اثر صبر نوبت ظفر آید

(دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۱: ۱۷)

بیت بالا در دیوان حافظ شرح خطیب رهبر یافت نشد؛ بنابراین از امثال و حکم دهخدا نقل شده است.

تعبیر دوستی صبر و ظفر را به کار برده‌اند. این تعبیر جز در سخن منسوب به انوشروان در هیچ‌یک از امثال و اشعار عربی دیده نمی‌شود. حافظ و سنایی یا به‌طور مستقیم از این سخن انوشروان متأثر شده‌اند یا این مضمون به‌طور شفاهی و سینه‌به‌سینه از حافظه جمعی ایرانیان به ذهن و زبان آن دو نفوذ کرده است.

(۱۸) با شاهد ۶ دهخدا مقایسه کنید: میدانی (بی‌تا، ج ۱: ۳۰۰): مثل «دِعَامَةُ الْعَقْلِ الْحَلْمُ» (ترجمه: پایه عقل صبر است). را غیر عربی؛ یعنی موگد دانسته است. عنصرالمعالی (۱۳۶۴: ۱۲۰) گفته است: «صبری دوم عاقلی است.» «سته تختبر بما عقول الناس الحلم عند الغضب...» (آمدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۱۱) (ترجمه: شش چیز است که عقل آدم‌ها با آن سنجیده می‌شود: صبر در هنگام خشم...)

که دانا به هر کار سازد درنگ      سر اندر نیارد به پیکار و ننگ

ستون خرد بردباری بود      چو تندی کند تن به خواری بود

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۵۲)

هم به طبع آور به مردی خویش را      پیشوا کن عقل صبراندیش را

(مولوی، ۱۳۷۹: ۱۰۹۲)

(۱۹) «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» (مریم: ۶۵) (ترجمه: او را عبادت کن و در راه عبادتش شکیبایا، آیا ماندی برای او

می‌شناسی؟)

(۲۰) «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰) (ترجمه: هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی ورزد، پس خداوند

پاداش نیکوکاران را نادیده نمی‌گیرد.)

این آیه در تفاسیر به صبر در برابر گناه تفسیر شده است.

(۲۱) این عبارت در نهج البلاغه (حکمت ۵۲) و الادب الصغیر و الکبیر (ابن مقفع، ۱۴۰۷: ۱۱۰) نیز دیده می‌شود.

(۲۲) این عبارت در الادب الصغیر و الکبیر نیز دیده می‌شود. (همان: ۱۰۹) عباس (۱۹۷۷: ۱۶۳) این عبارت را از کتاب مختار الحكم از ارسطاطاليس نقل کرده، سپس همین جمله را از کتاب البصائر و الدخائر توحیدی به نقل از فیلسوفی آورده و نتیجه گرفته است؛ برخی پندهای ایرانی با حکمت‌های یونانی مشترک هستند، نکته قابل تأمل این است که احسان عباس با همه اشرفانی که به منابع عربی دارد، از کتاب‌های بجملة المجالس، تذکرة الحمدونية و ربیع الأبرار که پند بالا را از اردشیر نقل کرده‌اند، سخنی به میان نیاورده است.

(۲۳) با شاهد ۷ دهخدا مقایسه کنید: در الأدب الصغیر آمده است: «أحق ما صبر عليه ما ليس إلى تغيير سبيل.» (ابن مقفع، ۱۴۱۶: ۱۴۲۲)

(۲۴) (ترجمه: سزاوارترین چیزی که باید بر آن صبر پیشه کرد، آن است که راهی برای تغییر آن وجود ندارد.) نیز در (ابن مقفع، ۱۴۰۷: ۵۷)

(۵۷)

(۲۴)

ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۷۳)

(۲۵)

الصبر مر و العمر فان يا ليت شعري حتام القاه

(همان: ۵۶۸)

(ترجمه: صبر تلخ و عمر فانی است، ای کاش می‌دانستم که چه زمانی او را دیدار می‌کنم.)

(۲۶)

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود ولیک به خون جگر شود

(همان: ۳۰۷)

(۲۷) در پندهای مکتوب بر تاج انوشروان آمده است: «شتاب زدگی نکنید.» (مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

(۲۸) ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۴) (ترجمه: کسانی که خشم را فرومی‌خورند و نسبت

به مردم گذشت دارند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.)

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، ابوالفتح عبدالواحد التمیمی (۱۳۷۱). غرر الحكم و درر الكلم. تحقیق: علی رضا برازش. تهران: امیرکبیر.

ابن ابی الحدید، أبو حامد عز الدین (۱۹۸۸). شرح نهج البلاغه. المحقق: محمد أبو الفضل ابراهیم. دار احیاء الکتب العربیة عیسی

البابی الحلبي وشركاه.

- ابن الجوزی، ابو الفرج عبد الرحمان بن علی بن محمد (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم. دراسة و تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا. راجعه و صححه نعیم زرزور. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی (۱۴۱۷). التذکرة الحمدونیة. بیروت: دار صادر.
- ابن دجاجی، سعد الله بن نصر بن سعید الحنبلی (بی تا). سبط الملح و زوح الترح. تحقیق: خالد احمد الملا السویدی. بیروت: دار کنان.
- ابن قتیبة الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (بی تا). عیون الاخبار. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۴۱۶). الحکمة الخالدة. تحقیق عبدالرحمن بدوی. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- ابن مقفع، عبد الله (۱۴۰۷). الأدب الصغير والأدب الكبير. بیروت: دار بیروت للطباعة والنشر.
- ابن مقفع، عبد الله (۱۴۱۶). کلیلة و الدمنة. دقق فیها و علق علیها و نسقها الشیخ الیاس خلیل زحریا. دار الأندلس للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابو فراس، الحمدانی (۱۴۲۳). الدیوان. اعتنی به و شرحه عبد الرحمن المصطاوی. بیروت: دار المعرفة.
- الآبی، منصور بن الحسین الرازی، أبو سعد (۱۴۲۴). نثر الدر فی المحاضرات. المحقق: خالد عبد الغنی محفوظ. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- استعلامی، محمد (۱۳۷۹). مقدمه، تصحیح و تعلیقات مثنوی معنوی. جلد ۵. تهران: مهارت.
- استعلامی، محمد (۱۳۸۴). مقدمه، تصحیح و تعلیقات مثنوی معنوی. جلد ۳. تهران: مهارت.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی. مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست ها: محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن.
- التنوخی، أبوعلی (۱۹۷۸). الفرج بعد الشاة. تحقیق: عبود الشالچی. بیروت: دار صادر.
- التوحیدی، أبوحنان، علی بن محمد بن العباس (بی تا). الصداقة و الصدیق. شرح و تعلیق علی متولی صلاح. المطبعة النموذجیة التوحیدی، أبوحنان، علی بن محمد بن العباس (۱۴۰۸). البصائر والأخائر. المحقق: وداد القاضي. بیروت: دار صادر.
- الثعالی، ابومنصور عبدالملک (بی تا). الاعجاز والایجاز. بغداد: مكتبة دار البیان.
- المحافظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۱۴۲۳). البیان والتبیین. بیروت: دار ومكتبة الهلال.
- جامی، عبدالرحمان بن احمد (۱۳۷۸) مثنوی هفت اورنگ. با مقدمه اعلاخان افصح زاده، محقق و مصحح جابلقا دادعلیشاه، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۸). دیوان. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۹۶). حافظنامه شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ. بخش اول، جلد ۱، چاپ بیست و دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- خزائلی، محمد (۱۳۶۸). شرح گلستان. چاپ هفتم. تهران: جاویدان.
- الدارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۲). لطیفه غیبی حاوی توضیح اشعار مشکله حضرت خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی. به ضمیمه بیان اصطلاحات اهل عرفان و مطابقت ابیات با آیات بینات قرآن مجید. شیراز: کتابخانه احمدی.

- دامادی، سید محمد (۱۳۷۹). *مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲). *امثال و حکم*. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد (۱۴۲۰). *محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء*. بیروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم.
- الزجاجی، عبدالرحمن بن اسحاق البغدادی (۱۴۰۷). *الأمالی*. بیروت: دار الجلیل.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸). *سرنوی*. جلد ۱، تهران: علمی.
- زنجشیری، أبو القاسم محمود بن عمر (۱۴۱۲). *ربیع الابرار و نصوص الاختیار*. بیروت: مؤسسة العلمية.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. به تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ اول. تهران: هرمس.
- سنایی غزنوی (۱۳۸۳). *حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة*. تصحیح و تحشیه مدرس رضوی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۶). *شرح مثنوی*. جلد ۷. تهران: علمی و فرهنگی.
- الطروش، محمد بن الولید، (۱۸۷۲). *سراج الملوك*. تحقیق جعفر البیاتی. الطبعة الأولى. ریاض: الریس للکتب والنشر.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۸۷). *سیر الملوك*. به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: علمی و فرهنگی.
- العاکوب، عیسی (۱۹۸۹). *تأثیر الحكم الفارسیة فی الادب العربی*. الطبعة الاولى. دمشق: دارطلاس للدراسات والترجمة والنشر.
- عباس، احسان (۱۹۷۷). *ملاحح یونانیة فی الادب العربی*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- عنصرالمعالی، قابوس بن وشمگیر (۱۳۶۴). *قابوس‌نامه*. به اهتمام غلامحسین یوسفی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۵). *احادیث و قصص مثنوی (تلفیقی از دو کتاب «احادیث مثنوی» و «مآخذ قصص مثنوی»*). ترجمه کامل و تنظیم مجدد: حسین داودی. تهران: امیرکبیر.
- قیروانی، أبو اسحاق بن علی (۱۳۷۲). *زهر الآداب و ثمر الآداب*. مفصل و مضبوط و مشروح بقلم الدكتور زکی مبارك. الطبعة الثانية. مصر: مطبعة السعادة.
- الماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب (۱۹۸۶). *أدب الدنيا والدين*. دار مكتبة الحياة.
- محمود، حسین علی (۱۳۷۷). *مثنوی و سعدی و مآخذ مضامین سعدی در ادب عربی*. تهران: روزنه.
- محقق، مهدی (۱۳۴۰). *در جستجوی مضامین و تعبیرات ناصر خسرو در احادیث و امثال و اشعار عرب*. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. سال نهم. شماره ۱. ۹۳-۳۳.
- محقق، مهدی (۱۳۸۶). *تحلیل اشعار ناصر خسرو*. چاپ هفتم. تهران: دانشگاه تهران.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۷). *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۹). *مثنوی معنوی*. به سعی و مطابق نسخه رینولدآلین نیکلسون. تهران: نگاه.
- المیدانی، ابوالفضل (بی‌تا). *مجمع الأمثال*. تحقیق و شرح محمد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دار المعرفة.

النویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب (١٤٢٣). *نحابة الأرب في فنون الأدب*. تحقیق: مفید قمحیه و جماعه. بیروت: دار الکتب العلمیه.

یوسفی، غلامحسین (١٣٦٨). *تصحیح و توضیح بوستان سعدی*. چاپ ششم. تهران: خوارزمی.

یوسفی، غلامحسین (١٣٨١). *تصحیح و توضیح گلستان سعدی*. چاپ ششم. تهران: خوارزمی.

## References

*The Holy Quran.*

*Nahj al-Balagha.*

Abbas, E. (1977). *Greek features in Arabic literature*. Beirut: Al-Arabiya institution for Studies and publications (In Arabic).

Abu Firas, H. (2002). *Al-Diwan*. Taken care of and explained by Abd al-Rahman al-Mustawy. Beirut: Dar Al-Marfa'a (In Arabic).

Al-Abi, M. H. R. S. (2003). *Al-Dar's prose in lectures*. The researcher: Khalid Abdul Ghani Mahfoot. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya (In Arabic).

Al-Akoob, Isa (1989). *The influence of Persian rule in Arabic literature*. First edition Damascus: Dartlas studies, translation and publications (In Arabic).

Al-Darabi, M. M. (1984). *Latifa Ghibi*, comprising an explanation of problematic verses by Khaje Shams-al-Din Muhammad Hafez Shirazi. an enclosure explaining the conventions of the people of Irfan and matching verses with clear verses of the Glorious Qur'an. Shiraz: Book of Ahmadi (In Persian).

Al-Jahiz, A. O. A. B. (2002). *Statement and clarification*. Beirut: Al-Hilal House and Library (In Arabic).

Al-Mawardi, A. H. A. M. M. H. (1986). *Literature of the world and religion*. The Library of Life (In Arabic).

Al-Meidani, A. (Bi-Ta). *Assembly of proverbs Research and description of Mohammad Mohaieddin Abdul Hamid*. Beirut: Dar al-Marafa publications (In Arabic).

Al-Nawiri, Sh. D. A. A. W. (2002). *The ultimate point for Arab world in literary arts*. Research: Mufid Qomhiya and Jama'ah. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya publications (In Arabic).

Al-Raghib Al-Isfahani, A. Q. H. M. (1999). *Lectures of writers and dialogues of poets and rhetoricians*. Beirut: Dar Al-Arqam Bin Abi Al-Arqam Company (In Arabic).

Al-Tanukhi, A. A. (1978). *Relief after distress*. Investigation: Abboud Al-Shalji. Beirut: Dar Sader (In Arabic).

Al-Tartushi, M. W. (1872). *Siraj al-Muluk* Research by Jafar Al-Bayati. first edition Riyad: Al-Rais for books and publications (In Arabic).

Al-Tawhidi, A. H. A. M. A. (1988). *Insights and ammunition*. Investigator: Widad Al-Qadi. Beirut: Dar Sader (In Arabic).

Al-Tawhidi, A. H. A. M. A. (Bi-Ta). *Friendship and friend*. Explanation and comment on Metwally Salah. The typical printing press (In Arabic).

Al-Thaalibi, A. M. A. M. (Bi-Ta). *Miracles and brevity*. Baghdad: Dar Al-Bayan Library (In Arabic).

Al-Zajaji, A. R. I. B. (1987). *al-Amali*. Beirut: Dar Al-Jil (In Arabic).

- Amadi, A. A. T. (1993). *Gharr al-Hakm and Darr Al-Kalam*. Research: Alireza Barazesh. Tehran: Amirkabir (In Arabic).
- Beyhaqi, A. M. H. (2008). *Beyhaqi History*. Introduction, proofreading, notes, explanations and list-making: Mohammad Jafar Yahaghi and Mehdi Seidi. Tehran: Sokhan (In Persian).
- Damadi, S. M. (2001). *Common contents in Persian and Arabic literature*. Second Edition. Tehran: Danishgah Tehran (In Persian).
- Dehkoda, A. A. (1974). *Proverbs and judgment*. Third Edition. Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Farozanfar, B. A. Z. (2007). *Stories and Talks of Masnavi (compilation of two books; "Masnavi Talks" and "Maqheed of Masnavi Stories")*. Complete translation and re-editing: Hossein Davoodi. Tehran: Amir Kabir Publications (In Persian).
- Hafez, Sh. M. (1990). *Court Try it, Khalil Khatib, the leader*. Tehran: Safi Alisha (In Persian).
- Ibn Abi Al-Hadid, A. H. E. (1988). *Explanation of Nahj al-Balaghah*. Investigator: Muhammad Abu Al-Fadl Ibrahim. Dar Ahya Al-Kutub Al-Arabiya, Issa Al-Babi Al-Halabi and Partners (In Arabic).
- Ibn al-Jawzi, A. F. A. R. A. M. (1992). *Al-Muntazem in the history of kings and nations*. The study and research of Mohammad Abdulkader Atta and Mustafa Abdulkader Atta. Narrated by Naeem Zarzour. Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiy (In Arabic).
- Ibn Dajaji, S. N. S. H. (Bi-Ta). *Saft Al-Malh and Zoh al-Tarh*. Research: Khaled Ahmed Al-Molla Al-Suwaidi. Beirut: Dar Kenan publications (In Arabic).
- Ibn Hamdoun, M. H. M. A. (1997). *Al-Taqireh Al-Hamdouniyya*. Beirut: Dar Sader (In Arabic).
- Ibn Maskaweh, A. A. A. M. (1996). *The wisdom of Al-Khalida. Abdulrahman Badavi's research*. Cairo: Al-Nahda Egyptian Library (In Arabic).
- Ibn Qutayba al-Dinuri, A. M. A. M. (Bi-Ta). *Ayun Al-Akhbar*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya (In Arabic).
- Ibn-e Maqfa, A. (1987). *The minor and the major literature*. Beirut: Dar Beirut for printing and publishing (In Arabic).
- Ibn-e Maqfa, A. (1996). *Kalila and Al-Damma*. Examining and commenting the various versions by Sheikh Elias Khalil Zakharia. Dar Al-Andalus Printing, publication and Distribution (In Arabic).
- Istilami, M. (2001). *Introduction, corrections and annotations of Masnavi Manavi*. Volume 5. Tehran: Mahart (In Persian).
- Istilami, M. (2006). *Introduction, corrections and annotations of Masnawi Manavi*. Volume 3. Tehran: Mahart (In Persian).
- Jami, A. R. A. (2000). *Masnavi Haft Aurang*. An introduction by Alakhan Afsahzadeh, research and proofreading by Jabalqa Dadalishah, Tehran: Center for Iranian Studies (In Persian).
- Khazaeli, M. (1990). *Description of Golestan*. The seventh edition. Tehran: Javidan (In Persian).
- Khorramshahi, B. (2016). *Hafez name description of words, declaration, key concepts*



- and difficult verses of Hafez*, first part, volume 1, 22nd edition, Tehran: Scientific and Cultural (In Persian).
- Mahfouz, H. A. (1999). *Mutanabbi and Saadi and the intakes of Saadi in Arabic literature*. Tehran: Rozaneh (In Persian).
- Mohaghegh, M. (1962). An investigation of the contents and expressions of Naser Khusraw in conversations, proverbs, and Arab poetry. *Faculty of literature Journal*, Tehran University, 9 (1). 33-93 (In Persian).
- Mohaghegh, M. (2006). *Analysis of Nasser Khosrow's poems*. The seventh edition. Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Mostofi, H. (2009). *Tarikh-e Ghozideh*. Reference from; Abdul Hossein Navaei. Tehran: Asatir Publications (In Persian).
- Moulawi, J. M. (2001). *Masnavi Maanavi*. In accordance with the copy of Reynolds Nicholson. Tehran: Negah Publications (In Persian).
- Onsor al-Maali, Q. W. (1986). *Qaboos Name*. Reference from Gholamhossein Yousefi. Tehran: Scientific and Cultural publishing institution (In Persian).
- Qairwani, A. I. A. (1994). *The poison of ethics and the fruit of ethics*. Detailed by Dr. Zaki Mubarak. Second edition Egypt: Al-Saada Press (In Arabic).
- Saadi, M. (2007) *Koliat-e Saadi*. Corrected by Mohammad Ali Ferozghi. First Edition. Tehran: Hermes (In Persian).
- Sanai Ghaznavi (2005). *Hadighat Al-Haghighat & Shariat Al-Tarighat*. Correction and revision of Modares Razavi. Tehran: Academic Publishing Center (In Persian).
- Shahidi, S. J. (2008). *Commentary on Masnavi*. Volume 7. Tehran: Scientific and Cultural publications (In Persian).
- Tusi, Kh. N. M. (2009). *Sir al-Muluk*. reference from; Hubert Dark. Tehran: Scientific and Cultural Publications (In Persian).
- Yousefi, Gh. (1990). *Correction and explanation of Boostan-e Saadi*. Sixth edition. Tehran: Kharazmi (In Persian).
- Yousefi, Gh. (2003). *Golestan-e Saadi's correction and explanation*. Sixth edition. Tehran: Kharazmi (In Persian).
- Zamakshari, A. Q. M. O. (1992). *Rabi` al-Abrar va the Nesus al-akhyar*. Beirut: Scientific Foundation (In Arabic).
- Zarrin-Kub, A. H. (2010). *Serre Ney*. Volume 1, Tehran: Scientific (In Persian).



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی